

چه اشکالی دارد شهید بشویم!

سیدرضی موسوی، یکی از با سابقه‌ترین نظامیان سپاه در سوریه بود. او یکی از افراد نزدیک به حاج قاسم سلیمانی و سردار محمد حجازی بود. چهارم دی در منطقه زینبیه دمشق به شهادت رسید. در کتاب «سرباز قاسم سلیمانی؛ روایت مصطفی رحیمی» صفحاتی به دیدار خاص میان حاج قاسم و سیدرضی اختصاص داده که به مناسبت شهادت سید رضی این سطور را انتخاب کردیم که در زیر می‌خوانید.

سه‌شنبه دهم دی ۱۳۹۸، در دفتر سیدرضی نشستیم. بودیم که سید گفت «می‌خواهم بروم فرودگاه.» من هم با سیدرضی رفتم فرودگاه. تازه در مخصوص هواپیما باز شده بود. دیدیم ابوبافر از پله‌ها پایین آمد و به من و سیدرضی گفت «بروید بالا. حاجی آمده.» یک لحظه من و سید هنگ کردیم؛ چون اوضاع فرودگاه اصلا برای آمدن حاج قاسم مهیا نبود. از حاج قاسم کسب تکلیف کردیم که «چه کنیم؟» گفت: «برویم سوار ماشین بشویم.» با حاجی سوار شدیم. هر سه نفرمان از حاج قاسم پرسیدیم «حالا کجا برویم؟ ما که جایی را آماده نکرده‌ایم.» گفت: «بروید داخل شهر.» همین‌طور که داشتیم می‌رفتیم، از من پرسید «اوضاع و احوال چطور است؟» قبل از پاسخ من، سیدرضی گفت «حاج آقا، الان ما هنگ کرده‌ایم؛ دستکم اطلاعی می‌دادید چرا این‌طوری آمدید؟» لبخندی زد و چیزی نگفت. من کمی وضعیت شهرها و مناطق سوریه را به ایشان گزارش دادم و گفتم الحمدلله همه چیز طبق برنامه پیش می‌رود و مشکلی نداریم... از جاده فرودگاه وارد اتوبان اصلی شهر دمشق شده بودیم که حاجی بدون مقدمه به سیدرضی گفت «ببینید، سید، الان اگر تو شهید بشوی، چه اشکالی دارد؟ من شهید بشوم چه اشکالی دارد؟ حامد شهید بشود، سید جواد و سید اکبر هم شهید بشوند، چه اشکالی پیش می‌آید؟» حاجی این سوال‌ها را طرح کرد و بعد بدون آن‌که منتظر پاسخ ما باشد، خودش گفت: «آدم‌هایی مثل من و شما، مانند میوه‌های رسیده‌ای هستیم که اگر ما را نچینند، از روی درخت به زمین می‌افتیم و له می‌شویم. الان که وقت شهادت ماست چه اشکالی

دارد شهید بشویم؟». هم من و هم سیدرضی از صحبت‌های حاجی خیلی تعجب کردیم؛ چون تا حالا این‌طور با صراحت از شهادت و رفتن حرف نزده بود.

پیشنهادهایی برای مطالعه در این روزها که به

مردی که از چیز

از زندگی مردان و زنان قهرمان و اسطوره، همواره نقاط اوجش بارز است و بیشتر گفته می‌شود. اما آیا آن فرد از ابتدا در این سطح و موقعیت قرار داشته است؟ بی‌شک او سیری را طی کرده تا به این نقطه رسیده است که افراد زیادی چه دوست و چه دشمن او را بزرگ می‌شمارند. همچنین در بسیاری از مقایسه‌ها، افراد خودشان را بسیار دور از قهرمان می‌دانند و جایگاه او را دست نیافتنی می‌بینند. اما اگر سیر زندگی او بیان شود، همگان می‌بینند که او در همین محیط‌های معمولی، کنار باقی مردم زندگی کرده و سپس با همت و تصمیم درست و به‌موقع به سوی موفقیت حرکت کرده است. حال این قهرمان، دست یافتنی‌تر و قابل الگوبرداری می‌شود.

محمد رضا خراسانی‌زاده

نویسنده



حاج قاسمی که من می‌شناسم

■ برای شناخت یک نفر، اگر به هر دلیلی نتوان از خود شخص در مورد جزئیات رفتاری و عملی‌اش پرسید، باید سراغ نزدیک‌ترین افراد به او رفت. خانواده و دوستان صمیمی در این زمینه بسیار کمک‌کننده هستند. حالا رفاقتی حدوداً ۴۰ ساله را در نظر بگیرید که فقط یک دوستی طولانی نیست، بلکه بین این دو همکاری‌های بلندمدت بوده و رفت‌وآمدهای خانوادگی نیز با یکدیگر داشته‌اند. این شخص از بهترین کسانی است که می‌تواند به ما اطلاعات زیادی بدهد. مانند علی شیرازی که ۳۸ سال دوست، هم‌زم، هم‌کار و در یک کلمه رفیق حاج قاسم بوده و در زمان‌ها و حالات مختلفی با این شهید بزرگوار، زمان‌گذرانده و حال‌مطالبی را در مورد برخی از احوالات و رفتارهای ایشان در کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم» بیان کرده است. علی شیرازی در این کتاب به نقل خاطرات اکتفا نکرده است بلکه سعی کرده منش و روش و بنیان‌های فکری و عملی حاج قاسم را بیان کند و برای این کار از خاطرات گوناگونی که با او داشته، استفاده کرده است. آغاز آشنایی این دو با یکدیگر از سال ۶۱ در جبهه‌های دفاع مقدس آغاز شده. او از سال ۶۵ مسئول تبلیغات لشکر حاج قاسم شد و دوستی‌شان به اولین همکاری رسید. در طول سال‌های پس از جنگ این دوستی ادامه داشت تا این‌که در سال ۹۰ به‌خواست سردار سلیمانی، علی شیرازی نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی قدس سپاه را بر عهده گرفت و رابطه این دو نزدیک‌تر از قبل شد. رسیدگی حاج قاسم به خانواده شهدا، اهمیت به مردم آن هم تمام اقشار و گروه‌ها؛ فارغ از اعتقادات و بروز و ظهورها، از بخش‌های مهم سبک زندگی حاج قاسم است که نمونه‌هایی از آنها را در این کتاب می‌خوانیم.

آورتین

■ بیشتر خاطرات و مطالبی که در مورد فعالیت‌های نظامی حاج قاسم نقل و منتشر می‌شوند، یا مربوط به کارهای ایشان در عراق، سوریه و لبنان است یا مربوط به دوران هشت ساله دفاع مقدس. شاید برای بسیاری از علاقه‌مندان به حاج قاسم جالب باشد که ایشان بین این دو برهه‌زمانی، یعنی پس از اتمام دفاع مقدس تا فرماندهی بر سپاه قدس، مبارزات گسترده‌ای با اشراق در داخل ایران مخصوصاً در استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان داشته‌اند. آورتین، منطقه‌ای حذفاصل این دو استان است که شاهد حماسه‌ها و دل‌آوری‌های حاج قاسم در برابر اشراق بوده است. بهزاد دانشگر پس از تحقیق در مورد این دوره حدوداً دو سه‌ساله از زندگی حاج قاسم، طی سفری به کرمان با چند نفر از هم‌زمان حاج قاسم در آن دوره نیز گفت‌وگو و مصاحبه کرده و برآیند تحقیقاتش را در قالبی داستانی و جذاب و پرهیجان در کتاب آورتین نوشته است. آورتین در ۱۱۲ صفحه توسط نشر ستارگان درخشان به چاپ رسیده است.

سربازنامه

■ بسیاری از داستان‌های اساطیری و روایت قهرمانان و جان‌فشانی‌های بزرگ مردان ایران زمین در قالب شعر در تاریخ حرکت کرده و به دست ما رسیده است. افشین علا نیز برای بیان دل‌آوری‌های حاج قاسم از این مساله استفاده کرده است. او در سربازنامه، مثنوی بلندی سروده که در آن ابتدا به بیان حماسه‌های کهن ایرانیان پرداخته است و سپس به دوران مبارزات مردم و پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌رسد. علا در منظومه بلند خود، گریزی به سال‌های دفاع مقدس هم می‌زند و سپس به اوضاع حال ایران و صف‌بندی دو جبهه حق و باطل در منطقه می‌پردازد و سراغ قهرمان این دوره یعنی حاج قاسم می‌رود. او هم از احوال عرفانی و اخلاقی حاج قاسم می‌گوید و هم از مجاهدت‌ها و مبارزات او برای شکست دادن باطل می‌سراید. در نهایت نیز پس از بیان شهادت حاج قاسم، در مورد واکنش‌های احساسی مردم در قبال این اتفاق بزرگ اییاتی را سروده است. این کتاب خاص و متفاوت را محمد حسین است. سربازنامه توسط مکتب حاج قاسم در ۴۸ صفحه

